

# نقش خانواده،

## مدرسه و جامعه

### در بهداشت

#### روانی

علی پورعلی رضا توتکله  
کارشناس ارشد علوم تربیتی

کلیدواژه‌ها: بهداشت روانی،  
بیماری روانی، اختلال روانی.

منظور از بهداشت روانی، پیش‌گیری از پیدایش بیماری‌های روانی و سالم‌سازی محیط روانی است. تا افراد جامعه بتوانند به‌طور طبیعی با عوامل محیط خود رابطه برقرار کنند و در راه رسیدن به اهداف و مقاصد خود، موفق شوند. بهداشت روانی فقط به بیماران روحی و روانی محدود نمی‌شود، بلکه امری عمومی و همگانی است و کلیه طبقات و افراد جامعه اعم از کودک و بزرگسال، پیر و جوان و زن و مرد را دربرمی‌گیرد. بهداشت روانی در مورد کودکان و نوجوانان که در حال رشد و تکامل هستند و هنوز شخصیت واقعی آن‌ها به‌درستی تکوین نیافته است، اهمیت بیشتری دارد و باید به‌طور ویژه مورد توجه قرار گیرد. اساساً خانواده، مدرسه و جامعه، باید به‌گونه‌ای نقش خود را ایفا کنند که تا حد امکان افراد جامعه به بیماری‌های روانی مبتلا نشوند، اما اگر در اثر فشارهای محیطی، ناراحتی‌های عصبی در افراد پدید آمد، جامعه باید با پیش‌گیری‌های لازم، بکوشد تا ناراحتی‌های عصبی افراد به بیماری‌های روانی تبدیل نشود. زیرا جامعه برای رشد و ترقی، به انسان‌هایی نیاز دارد که علاوه بر سلامت جسمانی، از سلامت روانی کامل نیز برخوردار باشند.

باید در هر جامعه، فعالیت‌های مربوط به بهداشت روانی و مسائل ناشی از آن، در اولویت قرار گیرد و همه ارگان‌های مهم جامعه از قبیل مدارس، دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزشی و غیره، در این امر مهم و اساسی فعالیت مناسب و مستمر داشته باشند تا با برقراری ارتباط صحیح در جامعه و فراهم کردن زمینه‌های لازم، بهداشت روانی همگان به‌خوبی تأمین شود.

#### نقش خانواده

خانواده مهم‌ترین پایگاه تربیتی کودک است. چگونگی محیط خانواده و ارتباط اعضای آن با یکدیگر، تأثیر بسیار مهمی در رشد روانی و شخصیت کودک دارد. اکثر روان‌شناسان، متخصصان علوم تربیتی و جامعه‌شناسان عقیده دارند، بیشتر بیماری‌های روانی، اختلالات روانی، انحرافات و بزهکاری‌های کودکان، ریشه در خانواده دارد و به سنین و مراحل رشد اولیه آن‌ها مربوط می‌شود. از این‌رو، بهداشت روانی افراد باید از دوره‌کودکی و حتی قبل از آن، یعنی از دوران جنینی مورد توجه قرار گیرد. در دوران جنینی، حالات روحی و روانی مادر، اثر فراوانی در رشد جنین دارد. نقش پدر خانواده در این برهه از زمان، بسیار مهم و اساسی است، بنابراین، باید تلاش کند با ایجاد زمینه‌های مناسب و امکانات لازم، آرامش خاطر همسرش را فراهم کند، زیرا در این زمان، همسر وی بیش از هر چیز دیگر، به مهر و محبت و حمایت همه‌جانبه او نیازمند است. علاوه بر این، عوامل دیگری مانند وضعیت اقتصادی خانواده، اعتقادات، آداب و رسوم، نگرانی‌های مادر در دوران بارداری، ضربه‌های احتمالی وارده بر جنین، بیماری‌های دوران حاملگی، وضع جسمانی و روانی مادر و نحوه تغذیه او در طول مدت بارداری، می‌تواند در سرنوشت کودک مؤثر واقع شود. از نظر روان‌شناسی، بررسی حالات روحی و روانی مادر در دوره حاملگی و ارتباط آن با اختلالات شخصیتی و رفتاری در افراد، بسیار حائز اهمیت است. زمانی که مادر در دوران



بارداری دستخوش هیجان، نگرانی و اضطراب می‌شود، گردش خون جنین به شدت دچار اختلال می‌شود و در نتیجه، جنین فعالیت بسیار زیادی از خود بروز می‌دهد. حال اگر نگرانی‌های مادر پی‌درپی و طولانی مدت باشد، به‌طور حتم ضایعات و عوارض ناگوار و عمیقی را بر جنین به‌جا خواهد گذاشت. هم‌چنین، در اثر هرگونه ضربه احتمالی وارده بر نوزاد در زمان تولد و یا کمبود شدید اکسیژن در هنگام تولد، قوای عقلانی و بدنی نوزاد به شدت کاهش می‌یابد و او به عقب‌افتادگی حرکتی دچار خواهد شد. بعد از تولد کودک نیز، تغذیه و محبت دو عامل بسیار مهم و اساسی در نگهداری و پرورش او تلقی می‌شوند. کودکانی که به هر دلیل از مادر دور نگه داشته می‌شوند، از لحاظ رشد و تکامل عاطفی، روانی، اجتماعی و عقلی، با مشکل جدی مواجه هستند و درصد عقب‌ماندگی هوشی و مشکلات روحی و روانی و اجتماعی آن‌ها به مراتب بیشتر از سایر کودکان است. مسلماً اساس حالات روانی و عاطفی هر انسانی، از دوران کودکی او پی‌ریزی می‌شود. از این‌رو، توجه نکردن به سالم‌سازی محیط زندگی کودک، به‌ویژه از لحاظ روانی و عاطفی، باعث ایجاد مشکلات فراوانی برای او می‌شود. روان‌شناسان اعتقاد دارند که محیط زندگی کودک، رفتار بزرگ‌ترها و اطرافیان با او، نحوه ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر، اعتقادات و تعصبات والدین، تعارضات موجود در محیط خانواده و وضعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حاکم بر آن، اثرات قابل توجهی بر روحیه و رشد و تکامل شخصیت کودک دارد. مهر و محبت والدین، به کودک امنیت روانی و عاطفی می‌بخشد، اعتماد به نفس او را افزایش می‌دهد و زمینه ورود وی را به جامعه و داد و ستدهای اجتماعی و ارتباطات همه‌جانبه او را فراهم می‌سازد.

برخی از رفتارهای کودکان، ظاهراً بی‌اهمیت به‌نظر می‌رسند و والدین توجه چندانی به آن‌ها ندارند، مانند جویدن ناخن، مکیدن انگشتان، رویاهای وحشتناک، حسادت‌های زیاد، کج خلقی، ترس‌های غیرعادی و غیره، که از نشانه‌های اختلال رفتاری است و اگر به موقع پیش‌گیری و درمان نشود، به‌تدریج به رفتارهای ضداخلاقی و اجتماعی، مانند انزواطلبی و افسردگی تبدیل می‌شوند. چنین کودکانی، به درس، زندگی و روابط اجتماعی علاقه‌ای ندارند و اگر در شرایط حاد و پیچیده‌تری قرار بگیرند، ممکن است به بیماری‌های روانی پیشرفته مبتلا شوند. یکی دیگر از عوامل اصلی در بهداشت روانی کودک، احترام کردن شایسته به اوست. این رفتار، نشاط و شوق و امید را در وی برمی‌انگیزد و باعث می‌شود او دارای شخصیتی مستقل و با اراده شود. افرادی که در کودکی مورد تحقیر، بی‌احترامی و بی‌مهری قرار گرفته‌اند، در بزرگسالی معمولاً روحی ناآرام و متزلزل دارند و همیشه در زندگی خود احساس نامنی، درد و رنج و اضطراب می‌کنند.

دوره کودکی، بهترین زمانی است که کودک بیش از هر زمان دیگر، برای رشد و یادگیری آماده است. کودکانی که از لحاظ عاطفی و روانی سالم هستند، به‌طور طبیعی از خود تلاش و کنجکاوی زیادی برای فهم امور و درک مسائل اطراف نشان می‌دهند. بنابراین، اگر اشنیتاق و جست‌وجوگری آن‌ها برای فراگیری به موقع درک شود و به سؤال‌انسان، پاسخ مثبت، منطقی و درخور فهم داده شود، به‌طور یقین موجبات رشد

و تکامل ذهنی، روانی و اجتماعی آنان به‌خوبی فراهم خواهد شد. به‌طور کلی، علاقه نداشتن والدین به کودک و بی‌توجهی به نیازها و احتیاجات او، رفتار تحقیرآمیز و اهانت‌بار، راهنمایی نادرست، سرزنش مداوم، ظلم و ستم و سخت‌گیری‌های بی‌جا و یا برعکس، مهر و محبت افراطی و حمایت بیش از حد از کودک، از جمله عوامل مهمی هستند که در کودک ترس و وحشت، ناراحتی، عدم اعتماد به نفس، تزلزل روحی و روانی و اضطراب شدید و دائمی ایجاد می‌کنند. این عوامل، هر یک به تنهایی می‌توانند بسیاری از اختلالات رفتاری را در کودک پایه‌گذاری کنند. در نتیجه می‌توان گفت، خانواده نقش بسیار مهمی در تربیت و پرورش کودکان دارد. از این رو، باید زمینه رشد صحیح شخصیت و تعادل روانی فرزندان خود را به‌خوبی فراهم کند تا آن‌ها بتوانند مستقل، با اراده و با اعتماد به نفس در جامعه زندگی کنند و در روابط و داد و ستدهای اجتماعی، روشی منطقی، متعادل و اصولی داشته باشند.

### نقش مدرسه

به‌طور کلی مدرسه دو وظیفه یا کارکرد مهم در ارتباط با کودکان دارد: یکی ارائه آموزش‌های لازم و کافی است. این کار برعهده کادر آموزشی مدرسه یعنی معلمان است که با استفاده از کتاب و سایر امکانات آموزشی (مانند وسایل کمک آموزشی و تجهیزات آزمایشگاهی) به امر تدریس می‌پردازند. وظیفه دیگر، پرورش، تربیت و هدایت کودک است که براساس اصول انسانی، اعتقادات، فرهنگ و فلسفه حاکم بر جامعه صورت می‌گیرد. در امر آموزش انسانیت، اعتقادات، فرهنگ و فلسفه حاکم بر جامعه صورت می‌گیرد. در امر آموزش کودک، همواره باید به موضوع تربیت و پرورش او توجه دقیق داشت، زیرا آموزش بدون تربیت، راه به‌جایی نخواهد برد.

هر کودک به‌طور طبیعی، حدود هجده هزار ساعت از عمر خود را در مدرسه سپری می‌کند و تحت تأثیر معلمان، اولیای مدرسه، برنامه‌ها و ارزش‌های خاص آن‌ها قرار می‌گیرد. از آن‌جا که بیشتر یادگیری‌های فرد بعد از سن شش سالگی است، بنابراین می‌توان گفت که مدارس نقش مهمی را در تربیت کودکان دارند. کودکان در مدارس با مسائل عاطفی و روانی متعددی مواجه‌اند که می‌توان آن‌ها را به چهار دسته طبقه‌بندی کرد:

۱. اختلالات رفتاری؛ مانند: گستاخی، نافرمانی و قانون‌شکنی، دزدی، شقاوت و بی‌رحمی، دروغ‌گویی و فرار از خانه.

۲. اختلالات عصبی؛ مانند: اضطراب، حساسیت زیاد، گوشه‌گیری، غوطه‌ور شدن در فکر و خیال، احساس ناراحتی بیش از حد و توجه نکردن به اطراف.

۳. اختلالات روانی؛ مانند: انزواطلبی افراطی، بی‌تفاوتی نسبت به محیط زندگی و افکار موهوم و بیهوده.

۴. اشکالات درسی و آموزشی؛ مانند: عقب‌ماندگی درسی، نداشتن تمرکز حواس، مشکلات شناختی، ذهنی و شنیداری، نداشتن توانایی در بیان افکار، عقاید و سخن گفتن. متأسفانه در بسیاری از مدارس جهان دانش‌آموزانی هستند

### محیط زندگی

کودک، رفتار بزرگ‌ترها و اطرافیان با او، نحوه ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر، اعتقادات و تعصبات والدین، تعارضات موجود در محیط خانواده و وضعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حاکم بر آن، اثرات قابل توجهی بر روحیه و رشد و تکامل شخصیت کودک دارد

که از مشکلات عاطفی، عصبی و روانی رنج می‌برند. در مدارس کشور ما نیز تعدادی از کودکان نامتعادل، ناسازگار و بزهکار وجود دارند که باید به موقع شناسایی شوند و به شکلی مناسب و شایسته مورد توجه و حمایت قرار گیرند تا بتوانند مانند سایر کودکان، مسیر عادی و طبیعی زندگی خود را طی کنند. توجه نکردن به مشکلات چنین کودکانی، باعث می‌شود که به تدریج ناهنجاری‌های اجتماعی، رفتارهای ضد اخلاقی و بزهکاری در آن‌ها تشدید شود. این کودکان، در نتیجه، از درس، مدرسه و زندگی بیزار می‌شوند و چه بسا ممکن است به اختلالات و ناراحتی‌های روحی و روانی مبتلا شوند.

در دوران بلوغ، مسائل بسیار مهمی در زندگی نوجوان مطرح می‌شود که از مهم‌ترین آن‌ها، تغییرات جسمانی و روانی است. در این دوره، نوجوان ممکن است در نتیجه احساس انزوایی، خیال‌بافی، اضطراب شدید و تنهایی، مرتکب اعمالی شود که عواقب خطرناک و مسئله‌ساز را برای او به دنبال داشته باشد. از نظر بهداشت روانی، شناخت تحولات روحی و روانی نوجوان در این دوره، بسیار حائز اهمیت است. در این مرحله از زندگی نوجوان، مشاوران، معلمان، اولیای مدرسه و والدین، نقش مهمی را در ارشاد و راهنمایی او برعهده دارند و همگی باید بکوشند تا براساس دگرگونی‌های جسمانی، تحولات روحی و روانی و کیفیت رشد عاطفی، اجتماعی و اخلاقی نوجوان، او را به سوی زندگی ایده‌آل و با نشاط، هدایت کنند. رفتار اولیای مدرسه، معلمان و والدین با کودک و نوجوان باید بسیار دوستانه و توأم با احترام باشد. هم‌چنین، باید آن‌ها را به داشتن افکار، عقاید، رفتار، برنامه‌ریزی و اخذ تصمیم صحیح تشویق کنند تا از این طریق بتوانند زمینه استقلالشان را فراهم کنند. در برخی موارد، سخت‌گیری و شدت عمل والدین و اولیای مدارس، سبب می‌شود زمینه عصبانیت، پرخاشگری و ستیزه‌جویی کودک و نوجوان در جامعه فراهم شود. بنابراین، والدین و اولیای مدارس باید با توجه به نتایج ناگواری که ممکن است از سخت‌گیری‌های بی‌مورد حاصل شود، از اقدام به آن جداً بپرهیزند.

در نهایت توجه نداشتن به نیازهای واقعی کودک و نوجوان، ممکن است او را به انواع بزهکاری‌ها و انحرافات گرفتار کند، از این‌رو لازم است اولیای مدارس و به‌ویژه معلمان، علاوه بر نظارت و توجه به پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، به مسائل عاطفی، روحی و روانی و اخلاقی آن‌ها نیز عنایت کافی داشته باشند و در صورت مشاهده مشکلاتی در این زمینه، با روش‌های معقول، منطقی و مناسب، نسبت به حل و فصل آن‌ها اقدام کنند تا بتوانند هرچه بیشتر، بهتر و سریع‌تر، بهداشت روانی دانش‌آموزان را تأمین کنند.

### نقش جامعه

جامعه برای حل مشکلات موجود و رسیدن به اهداف مورد نظر خویش، به افرادی نیاز دارد که از لحاظ علمی و تخصص، به درجات بالایی رسیده باشند. افرادی که توانایی تولید و آفرینش داشته، مستقل و با اعتماد به نفس باشند، از

قدرت تصمیم‌گیری صحیح و منطقی برخوردار باشند و مقلد و پیرو دیگران نباشند. اگر جامعه‌ای خواهان پیشرفت و ترقی است، باید به تربیت چنین افرادی بپردازد و برای پرورش این‌گونه افراد، باید به بهداشت روانی آن‌ها توجه لازم را داشته باشد، از این‌رو، ارائه خدمات بهداشت روانی، که هدف آن سالم‌سازی محیط روانی اجتماع و تأمین نیازهای روانی افراد است، از اهمیت زیاد برخوردار خواهد بود. جامعه هم مانند خانواده‌ها، نقش بسیار مهمی در پیش‌گیری از مشکلات اختلالات روانی افسرداد دارد. از این جهت، باید با همه توان و امکانات، در این زمینه بکوشد. جامعه باید برای اجرای برنامه‌های بهداشت روانی، از همه ارگان‌ها و نهادهای خود بهره‌گیرد تا بتواند در اشاعه و گسترش بهداشت روانی که در مرحله اول اهمیت قرار دارد، موفق باشد. مهم‌ترین این ارگان‌ها عبارت‌اند از: آموزش و پرورش، انجمن‌های اولیا و مربیان، سازمان تدوین کتاب‌های درسی و رسانه‌های گروهی.

### آموزش و پرورش

مؤسسات آموزش رسمی که شامل کودکستان، دبستان، مدارس راهنمایی و متوسطه است، در بهداشت روانی دانش‌آموزان نقش بسیار مؤثری دارند. برای ایفای صحیح چنین نقشی، در درجه اول باید مربیان و اولیای چنین مؤسساتی، از سلامت روانی کامل برخوردار باشند تا بتوانند آگاهانه و صمیمانه با مشکلات و مسائل عاطفی و روانی دانش‌آموزان برخورد کنند. اولیا و مربیان مدارس اعم از آموزگاران، دبیران، مشاوران و سایر دست‌اندرکاران آموزشی، باید با توجه به فرایند رشد دانش‌آموزان در دوران کودکی و نوجوانی، راهکارهای مناسبی را به‌منظور ارائه خدمات بهداشت روانی به آن‌ها عرضه کنند و به مسائل روانی و عاطفی شاگردان به دقت توجه کنند تا از این طریق بتوانند به کمبودها، نواقص و نیازها عاطفی و روانی آنان پی ببرند. برای گسترش هرچه بیشتر و بهتر بهداشت روانی در بین دانش‌آموزان، مدارس باید به امکانات، تجهیزات و کادر بهداشت روانی کارآمد و ماهر مجهز باشند و ضمن بهره‌برداری از منابع بومی و محلی، شیوه‌های استفاده و برخورداری از امکانات و تسهیلات بهداشت روانی را به دانش‌آموزان ارائه دهند. علاوه بر این، مربیان و اولیای مدرسه باید به بررسی مشکلات و موانع مربوط به یادگیری دانش‌آموزان نیز بپردازند و ضمن رفع مشکلات و نارسایی‌های آموزشی و درسی موجود، زمینه‌های لازم و مناسب را برای رشد استعداد و خودشکوفایی آنان فراهم سازند.

### انجمن‌های اولیا و مربیان

وظیفه این انجمن، تلاش مستمر و همه‌جانبه در جهت برطرف کردن مشکلات عاطفی، روانی، آموزشی و تربیتی شاگردان، و بهبود و ارتقای سطح کیفی بهداشت روانی آن‌هاست. انجمن اولیا و مربیان باید مسائل، مشکلات و وضعیت خانوادگی دانش‌آموزانی را که دارای اختلالات

**مهم‌ترین مسئله‌ای که در زمینه تربیتی کودکان مطرح است، هماهنگی‌های لازم بین الگوهای تربیتی خانه و مدرسه است. چون اگر کودک بین الگوهای تربیتی خانه و مدرسه تضاد و متغییرتی مشاهده کند، قطعاً به دام شک و تردید گرفتار خواهد شد**



اولویت کاری همه ارگان‌های ذی‌ربط قرار گیرد.

### دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی

دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، یکی دیگر از مراکزی است که می‌تواند در گسترش بهداشت روانی در مدارس، نقش بسیار مهمی را ایفا کند. کارشناسان این سازمان، مسئولیت تهیه و تدوین محتوای کتاب‌های درسی در همه دوره‌های تحصیلی را به عهده دارند. از این رو باید به منظور تحقق اهداف مورد نظر جامعه، در جهت اشاعه اصول و مفاهیم بهداشت روانی در سطح همگانی، این مفاهیم و راهکارهای نیل به آن را به‌طور مناسب و قابل فهم، در محتوای کتاب‌های درسی و در کلیه دوره‌های تحصیلی، از پیش دبستانی تا متوسطه بگنجانند تا دانش‌آموزان در هر دوره تحصیلی، با مطالعه این رهنمودها، شیوه‌های مقابله با مشکلات، نامالایمات و شکست‌های احتمالی را بیاموزند و بتوانند با اعتماد به نفس بیشتر، مسیر رشد و تکامل خود را به‌طور طبیعی طی کنند، در آرامش روحی، تعادل و امنیت روانی زندگی کنند و به آینده‌ای روشن و زیبا امیدوار باشند.

### رسانه‌های گروهی

رسانه‌های گروهی اعم از رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها، مجلات و سایر نشریات، نقش بسیار عمده‌ای در ترویج بهداشت روانی بین گروه‌های اجتماعی و عموم مردم دارند و باید این وظیفه خود را به‌درستی انجام دهند. رسانه‌های گروهی بخصوص رادیو و تلویزیون، باید مسائل مربوط به بهداشت روانی در خانواده، مدرسه، اجتماع و اختلالات و مشکلات ناشی از عدم رعایت آن‌ها را دقیقاً بررسی و تجزیه و تحلیل کنند. برای انجام این کار، باید به تهیه و تدارک برنامه‌هایی پردازند که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم موضوع بهداشت روانی را برای خانواده‌ها مطرح کنند و با آگاهی دادن به والدین، آن‌ها را در انجام صحیح این مسئولیت یاری کنند. برنامه‌هایی که رادیو و تلویزیون به منظور آشنایی جامعه با موضوع بهداشت روانی ارائه می‌دهد، باید در سطح آگاهی و درک همه مردم باشد و اطلاعات لازم و کافی را در اختیار آن‌ها قرار دهد، تا والدین، مربیان، مسئولان و به‌طور کلی همه گروه‌های اجتماعی، با بهداشت روانی، برخوردی مناسب و شایسته داشته باشند و بویژه این موضوع (بهداشت روانی) را در مدارس جدی بگیرند. نشریات هم باید با چاپ مقالات و آثار مربوط به بهداشت روانی، هرچه بیشتر آگاهی مردم را در این زمینه افزایش دهند.

### منابع

۱. حکمت، سیمین و همکاران (۱۳۶۴). بهداشت عمومی. دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش.
۲. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۶۴). روان‌شناسی رشد. چاپ پنجم. تهران: اطلاعات.
۳. نقش‌های متعدد معلم در کلاس درس. مجله اطلاعات علمی. اسفند ۷۹.

رفتاری هستند، شناسایی و بررسی کند و نسبت به رفع یا به حداقل رساندن آن‌ها اقدام کند. این انجمن باید به نهاد خانواده اهمیت زیادی بدهد و بخصوص با برگزاری کلاس‌های آموزش خانواده، والدین را با شیوه‌های مناسب تربیتی آشنا کند. در آموزش خانواده، والدین باید بتوانند ضمن شناخت مفاهیم بهداشت روانی در چارچوب اصول و موازین اخلاقی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی مفاهیم گوناگون بهداشت روانی را با توجه به دوران رشد فرزندان خود، به نحو شایسته‌ای به‌کار گیرند. هم‌چنین، انجمن اولیا و مربیان باید در روش‌های تربیتی خود از شیوه تنبیه و پاداش نیز به شکل مناسب و به‌طور مستمر استفاده کند، چون این روش تا حدود زیادی می‌تواند نقش بسیار سازنده‌ای در کاهش اعمال نابهنجار و ضد اجتماعی و اخلاقی دانش‌آموزان داشته باشد. علاوه بر این، انجمن اولیا و مربیان نقش بسیار مهمی در برقراری ارتباط صمیمانه و مستمر در زمینه‌های گوناگون به‌ویژه آموزشی و تربیتی بین مربیان مدارس و اولیای دانش‌آموزان دارد. این نوع ارتباط، می‌تواند بسیار مفید و سازنده واقع شود و موجبات رشد و ترقی دانش‌آموزان و شکوفایی استعدادهای نهفته آن‌ها را به‌خوبی فراهم کند. اما مهم‌ترین مسئله‌ای که در زمینه تربیتی کودکان مطرح است، هماهنگی‌های لازم بین الگوهای تربیتی خانه و مدرسه است. چون اگر کودک بین الگوهای تربیتی خانه و مدرسه تضاد و مغایرتی مشاهده کند، قطعاً به دام شک و تردید گرفتار خواهد شد و نمی‌تواند بین دو الگوی تربیتی خانه و مدرسه، یکی را انتخاب کند. این دوگانگی در الگوهای تربیتی، بدترین وضعیت روحی و روانی را برای کودک فراهم می‌کند. در این حالت، کودک دچار تزلزل روحی و عاطفی می‌شود، و نمی‌تواند به‌درستی تصمیم بگیرد و انتخاب کند. این مسئله، یکی از مهم‌ترین نکات تأثیرگذار در بهداشت روانی دانش‌آموزان است که انجمن اولیا و مربیان باید به آن توجه لازم را داشته باشد و با ایجاد هماهنگی و هم‌نویی بین الگوهای تربیتی خانه و مدرسه، زمینه تربیت صحیح و شایسته دانش‌آموزان را فراهم کند.

نکته آخر این‌که انجمن اولیا و مربیان می‌تواند با برقراری و تشکیل جلسات و سمینارها، از متخصصان علوم تربیتی، روان‌شناسی و غیره دعوت کند تا با ایراد سخنرانی و بحث‌های علمی درباره بهداشت روانی در حوزه‌های گوناگون آموزش و پرورش، اهمیت بهداشت روانی در مدارس و مؤسسات آموزشی را هرچه بیشتر و بهتر برای همگان، بخصوص والدین و مربیان، آشکار سازند تا این مسئله بتواند مورد توجه لازم و



■ برخی از رفتارهای کودکان، ظاهراً بی‌اهمیت به نظر می‌رسند، مانند جویدن ناخن، مکیدن انگشتان، رویاهای وحشتناک، حسادت‌های زیاد، کج خلقی، ترس‌های غیرعادی و غیره، که از نشانه‌های اختلال رفتاری است و اگر به موقع پیش‌گیری و درمان نشود، به تدریج به رفتارهای ضد اخلاقی و اجتماعی، مانند انزوایی و افسردگی تبدیل می‌شوند